موافقت مصحف با قواعد عربی و اشکال به آن

شاگرد۲: قرائت قرآن باید طبق قواعد عربی باشد .. .

استاد: همانطور که رضی گفتند. وقتی ایشان به قرائت حمزه و جر رسیدند، گفتند این درست نیست و «لانسلم تواتر القرائات». از نظر نحوی به قدری برای ایشان سنگینی بود که تواتر را زیر سؤال بردند. چون حمزه که یکی از قراء سبعه است، آن را قرائت کرده بود. لذا گفتند که متواتر نیست. این بحث در طول تاریخ شده است. حتی درکتب فقهی هم داریم. آنها میگویند قرائت را از کتب لغت، در خود کتب ادبیات مانند الکتاب سیبویه، برای زمان نزول حساب میکنند. نه اینکه اجتهاد کسی در آینده باشد. حال که اینطور است، اگر قرائات برای زمان نزول است، اعتبار ادبی پیدا میکند. یعنی به این صورت نیست که اگر یک قاری آن را روایت کرده، شما بخواهید با قواعد خودتان آن را رد کنید. بلکه برعکس است. خود قرائت دلیل بر صحت است. نه اینکه شما قواعد بعدی را برای رد آن وسیله قرار بدهید. مفصل هم صحبت کردند.

شاگرد: خب قبل از اینکه نزول قرآن باشد، عرب قواعدی داشته است. اگر با این قواعد مخالفت کرد چه؟

استاد: خب برای مثال در برخی از جاها کوفیین میگویند جایز است و بصریین میگویند جایز نیست. خب کدام یک از آنها مطابق قواعد است؟ با اینکه هر دو هم میگویند که قاعده این است. هر دو هم شاهد میآورند. میگویند ما از قرائت شاهد میآوریم که این جایز است. شما روی حساب ضوابط بعدی میگویید که این جایز نیست؟! حمزه چون کوفی بوده، کوفیین هم با شواهد خودشان کاشف از زبان عرب هستند، اگر حمزه کوفی بوده، مذهب کوفیون را میگوید. نجم الائمه میگوید چون نظر کوفیین درست نیست، پس قرائت حمزه هم طبق مبنای کوفیین است، پس متواتر نیست. اما آن هایی که جواب او را میدهند، میگویند اتفاقا قرائت حمزه از خودش نبود. از مذهب کوفیون نبود، به سندی بود که به زمانی میرسید که برای کوفیون و مذهب خودشان قابل استناد است. پس این دلالت دارد که مذهب کوفیون در نمیشود. نه اینکه چون شما میخواهید مذهب کوفیون را در کنید و در قرائت حمزه گیر میافتید، بگویید «لانسلم تواترها».

شاگرد۱: نظر آقای سیستانی این است که جایز است قرائاتی که در زمان ائمه بوده، خوانده شود.

استاد: خب اینکه همان «اقرئوا کما یقرء الناس» است.

شاگرد۱: ایشان تعدد در «کفوا» را قبول میکنند... .

استاد: اگر ایشان «کفُوًا» را اجازه میدهند، نوزده نفر میگویند که نبوده است. و حال آنکه نزد اهل فن این است که میگویند متفرداتی است که متواتر است. اما با این بیانی که با ذهن ساده داریم، میگوییم نوزده نفر با همزه خواندهاند، یک نفر که این را از عاصم روایت میکند، میتوانیم بخوانیم؟! از کجا میدانیم که در زمان اهلبیت بوده؟

شاگرد۱: هر سه آن‌ها را می‌گویند و در «کفوا» می‌گویند که احتیاط مستحب این است که نخوانیم.

استاد: بله، سید هم همین را می‌گویند.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #2
ایجاد شده 29 آوریل 2024 15:51:08 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 ژوئن 2024 12:26:19 توسط ... .